



شمع جمع: شرح حال آیت الله ملاحسین قلی همدانی، احمد نزاری، کانون اندیشه جوان، ۱۳۶ ص، تهران، ۱۳۸۵

با عنوان «سرفت عرفانی» که واقعاً برایم تعجب آور و حیرتزا بود؛ به همین دلیل لازم دیدم چند نکته را برای روشن شدن حقیقت به عرض خوانندگان محترم برسانم:

- ۱- نویسنده محترم چنین تصور می کنند که فقط ایشان در زمینه شرح حال مرحوم همدانی کتاب نوشته اند!
- ۲- شباهت های نوشتاری در شرح حال مرحوم ملاحسینقلی همدانی که در کتب و نشریات مختلف به صورت منسجم و پراکنده آمده است، دلیل بر اخذ یکی از دیگری نیست؛ چه اینکه نقل قول ها از شاگردان سلوکی ایشان عمدتاً واحد و با ادبیات کاملاً مشخص است یا دست نوشته ها و وصایای اخلاقی- عرفانی مشارالیه در همه نوشته ها ثابت و یکنواخت است؛ بنابراین چه لزومی دارد با وجود منابع نسبتاً زیاد، سرفت علمی صورت گیرد؟!؟

کتاب «شمع جمع»

احمد نزاری

کتاب شمع جمع: شرح حال آیت الله ملاحسین قلی همدانی، در ۱۳۶ صفحه پس از پژوهش و پردازش در سه فصل: کلیات، مکتب اخلاقی- عرفانی و آموزه های اخلاقی- سلوکی تنظیم و منتشر شد.

کتاب یاد شده طبق فرایند پژوهشی گروه اخلاق و عرفان کانون اندیشه جوان، همانند کارهای پژوهشی دیگر، پس از ارائه طرح نامه مربوط و تصویب در گروه تخصصی یادشده، فیش برداری و سپس مرحله به مرحله (هر مرحله ۲۵٪) تا مرحله نهایی، توسط اعضای محترم هیئت علمی گروه، ارزیابی شده در هر مرحله پیشنهاد لازم مطرح گشته است؛ سرانجام پس از بررسی نهایی، بازنویسی شده، ارزیابی نهایی انجام گرفته است و پس از تصویب نهایی به کانون اندیشه جوان سپرده شده است. در آنجا نیز مراحل حذف و اضافه و حک و اصلاح انجام شده، در پایان به شورای آثار راه یافته، مجوز چاپ و نشر گرفته است. این اثر همه این مراحل را پشت سر نهاده و در سال ۱۳۸۵ به صورت کتاب منتشر شده است.

در این کتاب از ۵۸ منبع مختلف استفاده شده که ارجاع های متعدد، شاهد زنده آن است؛ اما در بخش نقد و معرفی کتاب مجله آینه پژوهش مقاله ای از جناب آقای محمد قنبری خواندم،

۵- خلاصه مقالات کنگره بزرگداشت مرحوم آیت الله ملاحسینقلی همدانی مگر در یک نسخه تهیه و چاپ شده و آن یک نسخه را نیز فقط جناب آقای قنبری داشته اند که مدعی اند نوشته های کتاب شمع جمع از آن منبع است که ایشان در چلچراغ سالکان آورده اند؟! آیا کتاب هایی چون اعیان الشیعه، فقیه البشر، الذریعه، طبقات الشیعه، تذکره المتقین و ... را تنها ایشان دارند؟ و در هیچ کتابخانه عمومی یا شخصی دیگر موجود نیست؟ علاوه بر اینکه مطالب این کتابها درباره شخصیت مرحوم ملاحسینقلی هم که قابل کم و زیاد شدن نیست، بلکه به همان صورتی که ذکر شده و حتی با همان ادبیات باید نقل می شد که شده است؛ از جمله به مطالب صفحه ۱۷ تا ۳۱ می توان اشاره کرد که در اکثر کتاب های مربوط نیز منعکس شده است.

۶- برخی اشتباهات، چه در متن و چه در ارجاع ها و شماره صفحات، در هر کتابی کم و بیش ممکن است رخ دهد که کتاب شمع جمع نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ چنان که خود ایشان اعتراف دارند چلچراغ سالکان نیز دچار چنین اشتباهاتی شده است. حال آیا درست است رقم های ۱۳۳ و اشتباه ۳۳۱ در شماره صفحات را دال بر سرقت علمی بگیریم؟! در حالی که همه می دانند کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدر المتألهین نوشته جناب آقای دکتر منوچهر صدوقی (سها) در کتابفروشی ها و کتابخانه ها فراوان موجود است و فیش برداری از کتاب یادشده همراه با ذکر شماره صفحه و نوبت چاپ آن نیز در مراحل تحقیق و تدوین کتاب شمع جمع موجود است.

۷- در مطالب بند ۲ مقاله جناب آقای قنبری مسئله «مخطوط» بودن کتاب اخبار همدان مرحوم عندلیب زاده مطرح شده که گفتنی است اصلاً «مخطوط» به عنوان نام مستعار یا تخلص نویسنده فهم نشده است تا درج گردد، بلکه در دست نوشته هایم در کتاب منبع «مخطوط» نیز آورده شده که در کتاب شمع جمع پس از نام مرحوم عندلیب زاده با علامت ویرگول [،] جدا شده تا معلوم شود کتاب خطی بوده نه چاپی و سپس همین ویرگول به اشتباه داخل پرانتز گذاشته شده؛ چنان که خود ایشان نیز همین اشتباه مفهومی یا تایی را مرتکب شده اند و شبیه به این امر در بسیاری از کتاب ها ممکن است رخ دهد.

ناگفته نماند که از کتاب پژوهشی درباره امام زادگان همدان نیز استفاده شده است؛ زیرا کتاب مذکور در وصف

۳- در این کتاب ضمن اینکه از منابع فراوانی استفاده شده، از کتاب جناب آقای قنبری نیز بهره گیری شده است که در پاورقی های صفحه های ۲۲ و ۲۸ به عنوان منبع ذکر شده و در کتابنامه (ص ۱۲۶، شماره ۳۹) نیز مشخصات کتاب ایشان را آورده ایم.

۴- در کتاب شمع جمع از منابعی چون: شرح مقدمه قیصری بر فصوص مرحوم آشتیانی، دفتر عقل و آیت عشق، دکتر دینانی، ترجمه و شرح اشارات ابن سینا، حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی علامه حسن زاده آملی و کتاب های در آسمان معرفت، دروس اتحاد عاقل به معقول، دروس شرح اشارات و تنبیهات، شرح فص فاطمیه و هزار و یک کلمه معظم له نیز استفاده شد؛ همچنین از کتاب هایی چون معادشناسی و رساله لب اللباب علامه تهرانی، شرح چهل حدیث و مصباح الهدایه الی الخلافة والولاية امام خمینی (ره)، تفسیر المیزان و رساله الولایه علامه طباطبائی، تفسیر موضوعی قرآن مجید و ولایت در قرآن علامه جوادی آملی، و نیز از انسان کامل، سیری در نهج البلاغه، مقالات فلسفی و ... استاد مطهری بهره برداری شده که هیچ کدام در کتاب چلچراغ سالکان جناب آقای قنبری نیامده است و کتاب ایشان از ساختار پژوهشی و حتی کتابنامه نیز برخوردار نیست! حال چگونه است که ایشان در مقاله خویش، بی محابا و بدون رعایت اصول تقوای علمی، نوشته اند: «نویسنده این «کپی نامه» به جز کتاب چلچراغ و جزوه کوچکی که خلاصه مقالات کنگره بزرگداشت ملاحسینقلی همدانی است، به مصدر دیگری مراجعه نکرده!» علاوه بر این نوشته اند شاید روزی کسی دیگر پیدا شود و معلوم شود نیم دیگر کتاب از کتاب او برداشته شده است!

حال آیا چنین قضاوتی علمی، عاقلانه و عادلانه است؟! آیا با روح و روحیه علمی سازگار است؟! آیا واقعاً چنان که خود در دو سطر آخر مقاله شان نوشته اند: «شاید بهتر باشد در این مطالب، اول سوزنی به خود بزیم بعد دیگران را به همراهی خضر دعوت کنیم» مخاطب اولی خود ایشان نیستند؟! ...

همدان و بزرگان آن مطالب مفیدی داشته که در متن و پاورقی های صفحات ۱۷-۱۹ از آنها بهره جستیم و متأسفانه نام این کتاب نیز آنجا نیامده است؛ از این رو در ضبط مشخه های کتاب ها در کتابنامه اشتباهاتی رخ داده که منتظر چاپ های بعدی و انجام اصلاحات آنها بودم و هنوز به دلیل مشغله های کاری چنین توفیقی حاصل نشده است. مقاله جناب آقای قنبری یکی از فوایدش انجام همین اصلاحات در کتاب است که انشاءالله صورت خواهد گرفت.

۸- در خصوص مطالب بند ۳ مقاله که با اشاره به نهضت های اسلامی در صدساله اخیر نوشته اند، معروض می دارد در کتاب چلچراغ سالکان، پاورقی صفحه ۳۷ و در شمع جمع، ص ۳۸ و در همین کتاب نام سیدسعید حبوبی، «صبوبی» نوشته شده است که اشتباه تاپیی است؛ در حالی که در چلچراغ ثبت درست آن همان «حبوبی» است. حال اگر ادعای جناب آقای قنبری مبنی بر «کپی برداری» درست باشد، چرا چنین اختلافی در متن و پاورقی وجود دارد؟ علاوه بر اینکه در چاپ های اولیه کتاب نهضت های اسلامی در صدساله اخیر که حقیر از آن استفاده کردم (ص ۳۷-۳۸) در خصوص مرحوم همدانی، مطالبی را به مناسبت بحث از سیدجمال آورده است که ما نیز به همان مراجعه کردیم و ای کاش به چاپ های جدید یا مجموعه آثار ارجاع داده می شد که توهم سرقت علمی برای جناب آقای قنبری پیش نیاید؛ زیرا ایشان فکر می کنند فقط خودشان کتاب مرحوم مطهری را خوانده اند؛ همچنین آیا مطلبی که در صفحه ۸۳ شمع جمع از کتاب انسان کامل استاد مطهری آورده ام، مگر در کتاب چلچراغ وجود دارد؟! افزون بر اینکه کسی که دنبال فیش برداری در خصوص مرحوم آیت الله ملاحسینقلی همدانی است، همه هم تلاش خود را معطوف می کند از هر کتابی که نامی از ایشان برده شد، آن هم آثار بزرگانی چون استاد مطهری که معروف و مشهور هستند و سند علمی محسوب می شوند، بهره جوید؛ مثلاً از کتاب در آسمان معرفت یا هزار و یک کلمه و ... نیز استفاده کرده ام.

۹- در خصوص مطالب بند ۴ مقاله جناب آقای قنبری باید عرض کنم کاملاً بر اهل تحقیق روشن است که جلد چهارده مجموعه آثار، کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران است و به مناسبت عرفان و عارفان و طبقات عارفان مطالبی دارد که بخش

بسیار کوتاهی از آن به نقل از صفحه ۵۲۴ و مربوط به مرحوم همدانی ذکر شده است. اندکی دقت و وجدان علمی روشن می سازد که ارجاع به همان در صفحه ۳۵ تا ۳۷ شمع جمع منبع اولی و اصلی در صفحه ۳۵ اشتباهاً چاپ نشده است؛ زیرا اصلاً کتاب مجموعه آثار به ذکر خاطرات از مرحوم همدانی نپرداخته است و در این موضوع نبوده است و شعرا ارجاع شده از آن شیخ محمود شبستری است که از گلشن راز گرفته شده است و متأسفانه در پاورقی فقط شماره صفحه آمده، اما نام کتاب گلشن راز ذکر نشده است.

و حکایت «تجرد مثل این است ...» از کتاب رساله لب اللباب اخذ شده که از کتب مشهور اخلاقی-عرفانی و متداول میان اهل تحقیق است و اصلاً در پایان نقل مطالب کتاب شمع جمع، شماره ارجاع و سپس منبع اشتباهاً ذکر نشده، در حالی که در دست نوشته ها موجود است؛ علاوه بر اینکه عنوان داستان در کتاب چلچراغ (ص ۹۱) «تجرد نفس» و در کتاب شمع جمع (ص ۳۵) «تجرد مثل این است» می باشد.

در خصوص داستان ذکر موت (ص ۳۶) شمع جمع باید متذکر شوم در چلچراغ سالکان (ص ۹۷) «عنوان و تربیت» به ذکر موت آمده و منبع آن نیز در پاورقی شماره ۱۸ تاریخ حکما و عرفا متأخر به صدرالمتألهین (ص ۱۳۵) ذکر شده است؛ در حالی که در شمع جمع با عنوان «ذکر موت» و همان صفحه ۱۳۵ آمده است که اشتباه شده است. حال قضاوت با خوانندگان محترم است که چه شباهت های عنوانی یا ارجاعی در کتاب های یاد شده وجود دارد که جناب آقای قنبری نام سرقت علمی بر روی آن گذاشته اند.

مطلب «من مرید شما هستم» نیز عنوانی است که از متن داستانی در خصوص مرحوم ملاحسینقلی و یکی از شاگردان سلوکی اش انتخاب شد و در شمع جمع (ص ۳۶-۳۷) درج شد که در کتاب چلچراغ سالکان (ص ۹۶) عنوان مرید و مراد دارد که از کتاب رساله لب اللباب آورده اند.

۱۰- در خصوص مطالب شماره ۵ مقاله جناب آقای قنبری

نکته دوم: آنکه مگر از کتاب عرفان اسلامی حسین انصاریان در کتاب استفاده کرده ام که باید نام آن در فهرست منابع می آمد؛ البته اینکه نام مجلات نیامده است، کاملاً درست است و در کتابنامه نویسی غفلت شده است.

چند نکته در خور توجه

۱- تدوین این اثر که در ساختار علمی و پژوهشی با سیر و فرایند مضبوط و منطقی تحت نظارت فنی و علمی اصحاب خرد و دانش انجام گرفته است، با تدوین یک اثر در قالبی کاملاً فردی و برخاسته از یک سلیقه شخصی بسیار متفاوت است.

بدیهی است ارزش، جایگاه و عمق و غنای یک پژوهش با برخورداری از یک ساختار و پشتوانه علمی، با یک اثر تألیفی شخصی بدون ساختار علمی و فنی اصولاً قابل قیاس نیست؛ بنابراین یک پژوهش علمی متعلق به یک فرد (محقق و پژوهشگر) نیست، بلکه حاصل خرد جمعی یک مجموعه علمی است؛ از این رو اگر یک اثر جمعی، دارای چنین وضعی باشد که آقای قنبری عنوان کرده اند، تمام عناصر ذی ربط (و پشت پرده) در تدوین، نگارش، هدایت و نظارت و ... در آن سهم و شریک هستند؛ بنابراین اگر اثری در چنین ساختار و فرایندی چاپ و منتشر شود و چندین نوبت به زیور چاپ آراسته گردد و مورد توجه اصحاب علم و دانش قرار گیرد، مرهون این فرایند است، نه تلاش فردی یک نفر.

۲- این جانب مفتخرم کتاب شمع جمع در ساختاری منطقی و تحت فرایند علمی و کاملاً فنی نگارش و تدوین یافته است؛ بنابراین سهم این کوچک ترین در خلق این اثر بسیار اندک و ناچیز است.

۳- همان گونه که در اثنای مطالب اشاره شد، اثر مزبور چند نوبت بین ارزیابان رفت و برگشت داشته و در هر نوبت قطعاً اصلاحات و دیدگاه های آنان اعمال شده است. در مواردی نظر ارزیابان مستقیماً به بخش آماده سازی اعلام شده است که حتی در مواردی بنده از برخی اصلاحات بی اطلاع بودم. طبعاً در چنین فرایندی ممکن است اشتباهی هم رخ داده باشد. در پایان قضاوت را بر عهده خوانندگان محترم می گذارم و در عین حال از همه کسانی که با یادآوری های لازم، زمینه را برای تکمیل این اثر، فراهم آورند، سپاسگزار خواهم بود.



حق با ایشان است که نقل گنگ است، اما حقیر از کتاب در آسمان معرفت استفاده کرده ام؛ چنان که به دفعات نیز در شمع جمع چنین شده است، اما نقل کامل در خصوص روش توحیدی مرحوم همدانی و فرق آن با روش ملافتحعلی سلطان آبادی صورت نگرفت.

۱۱- در خصوص مطالب بند ۶ نقل مطلب از علامه طباطبایی مستند به کتاب رساله لب اللباب است؛ از سوی دیگر مطالب دستورالعمل ها، چنان که از صفحات ۸۰ تا ۸۶ شمع جمع پیداست، به روشنی معلوم است که منسوب به مرحوم ملاحسینقلی همدانی است؛ زیرا بحث مراقبت نفس از منظر ایشان مطرح شده است و مطالب شماره ۸ مقاله نیز چنین اند.

۱۲- جناب آقای قنبری! مطالب بند ۷ مقاله شما با استناد به واژه «تعطیل» به جای «تحصیل» و غلط چاپی آن مطرح شده است که اگر دقت کرده باشید، در کتاب شمع جمع (ص ۸۵) واژه هایی چون: جناب «عالم جلیل»، «عامل جلیل» آمده و در چلچراغ «ایام تعطیل و توقف در نجف اشرف آمده» که در شمع جمع «توقف» نیامده است. یا «سه روز» در صفحه ۸۶ شمع جمع و در کتاب چلچراغ «دو سه روز» (ص ۵۶) و «چاق و نشیط آمده»، در حالی که در شمع جمع «چاق بود» آمده است. چرا این تفاوت ها را مطرح نکردید؟! علاوه بر این رساله لقاء الله مرحوم میرزا جواد آقا معروف است و حقیر نیز از آن استفاده کردم.

۱۳- در خصوص مطلب شماره ۹ مقاله جناب آقای قنبری که نوشته اند بسیاری از مآخذ که در پاورقی نام برده شده، در فهرست منابع کتاب نیست، همچون: عرفان اسلامی حسین انصاریان، مجله حوزه، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر و ... در اینجا یادآوری دو نکته لازم است:

نکته اول: اینکه بسیاری از کتاب هایی که در شمع جمع از آن استفاده شده، مگر در کتاب چلچراغ سالکان وجود دارد که از آنها استفاده کرده باشم تا تهمت شما درست باشد؟!